

اهل کتاب در قرآن

موسی ابراهیمی^۱

چکیده

قرآن کریم کتاب هدایت و قانون الهی است، کرچه کتاب تاریخی نیست در عین حال نگاهی به اقوام گذشته و عقاید و افکار آنها دارند. قرآن کریم تعبیر اهل کتاب را برای آنها ذکر نموده است. مطالب که در این نوشتار بیان شده عمده تا چنین است که: اهل کتاب چه کسانی هستند؟ آیا اهل کتاب موجب پاداش و رستگاری است؟ در این مقاله سعی شده به نقد نظریه کسانی پردازد که گمان نموده تعریف و تمجید از اهل کتاب در قرآن بیانگر پاداش و رستگاری آنان است. لذا آیات که مورد استناد آنها قرار گرفته مورد بررسی تحلیل قرار گرفته و بین اهل کتاب معاند، مقصر، قاصر، مستضعف و... تفاوت قایل شده است.

کلید واژه: اهل کتاب، جهل، پاداش، رستگاری، اسلام.

قرآن، کتاب هدایت و زندگی و قانون الهی است، گرچه کتاب تاریخ و جامعه‌شناسی نیست، در عین حال نگاهی نیز به اقوام گذشته‌ی پیش از اسلام و عصر حضور آن و عقاید و افکار آنان دارد. در قرآن و فقه؛ پیروان پیامبری که دارای کتاب آسمانی بوده باشد. تعبیرات که در قرآن برای اشاره به آن‌ها استعمال شده در عین تعدد، در لفظ کتاب باهم مشترکند مانند «اهل کتاب» یا «الذین آتیناهم الکتاب» اهل کتاب در درجه اول شامل یهودیان و مسیحیان است و صابئین و زردشتیان نیز معمولاً جزو اهل کتاب شمرده می‌شوند.^۲

در این نوشتار درباره‌ی اهل کتاب و آوردن تعابیر گوناگونی که از آنان در قرآن یاد شده، به اختصار دورنمایی از آیاتی که به معرفی آنان پرداخته می‌آوریم. سپس به تفسیر و تحلیل اجمالی - بعضی از آیات که روشن‌کننده‌ی مقصود آیات است می‌پردازیم.

عمده‌ی مطالبی که باید درباره‌ی اهل کتاب بدانیم به شرح ذیل است: تعریفی از اهل کتاب یا اهل کتاب چه کسانی‌اند؟ آیا همه اهل کتاب موجب پاداش است؟ مشترکات اهل کتاب با مسلمانان (اسلام و ادیان دیگر)؛ موانع راهیابی آنان به دین اسلام.

(اهل کتاب قاصر داریم و مقصر که حساب هر یک جداست)؛ برخی گمان نموده‌اند که دسته‌ی از آیات قرآن کریم، به تعریف و تمجید از اهل کتاب پرداخته‌اند، و این توصیف را بیانگر نجات و رستگاری آنان دانسته‌اند.

اصطلاح اهل کتاب، سی و یک بار در قرآن کریم آمده و در بسیاری از آن موارد در مقابل «مشرکان» ذکر شده است، و این خود نشانه مغایرت مفهوم آن دو است. قرآن در موارد بسیاری، احکام آن دو را از هم تفکیک کرده است. مقصود از اهل کتاب پیروان دیگر ادیان آسمانی هستند که پیامبر و کتاب آسمانی دارد.^۳

کسانی که اهل کتاب را موجب پاداش می‌داند به آیات قرآن کریم استناد نموده و ما این آیات را یکی یکی بررسی می‌نمایم تا روشن شود که بین اهل کتاب معاند، مقصر، قاصر، مستضعف و ... چه تفاوت‌های وجود دارد و تعریف و تمجید قرآن کریم در مورد کدام یکی از آنها هستند.؟

۱. استناد به آیات ۱۱۳ و ۱۱۴ آل عمران

۲. کامرانی فانی، علی را مین، محمد علی سادات؛ ن دانشنامه دانش کستر، اشر، تهران، موسس دانشگاه روز، ج سوم، سال ۱۳۸۹، ص ۴۱۶.

۳. محمد حسن زمانی، طهارت اهل کتاب و مشرکان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سال چاپ ۱۳۷۸ ص ۳۶ و ۳۷

«لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ، يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ».^۴

آنها همه یکسان نیستند، از اهل کتاب، جمعیتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می‌کنند، و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می‌خوانند، درحالی که سجده می‌نمایند. به خدا و روز واپسین ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می‌گیرند، و آنها از صالحان اند.

با توجه به آیه فوق آقای خرّمشاهی می‌نویسد: قرآن اهل کتاب را «أُمَّةٌ قَائِمَةٌ»، (امت درست کردار) خوانده است... حاصل آنکه اهل کتاب از آن لحاظ که اهل کتاب هستند، و این عنوان اهل کتاب، عنوان احترام آمیز و داشتن حقانیت و نشان دهنده مؤمن و برحق بودن آنها است.^۵

از آیات مذکور، چنین گمان شده است که طبق این آیات پس از تبعیت پیامبر اکرم (ص) ادیان دیگر هنوز اعتبار و رسمیت دارد، زیرا ظاهر این آیات به ستایش و تمجید اهل کتاب پرداخته، از این لحاظ یکی دیگر از مستندات کسانی که معتقد به کثرت گرای دینی هست قرار گرفته‌اند، و می‌گویند شریعت آنها برحق بوده و هست و گرنه چنین اوصافی برآنان لغو خواهد بود.

اینک هریک از آن آیات را مورد بررسی قرار می‌دهم.

تحلیل و ارزیابی

در مرحله اول باید بدانیم که مراد از اهل کتاب چه کسانی هستند

۱. مراد از اهل کتاب

اولین مطلب که باید روشن بشود این است که اهل کتاب چه کسانی هستند؟ در پاسخ باید گفت که، با تفحص و جست و جو، به این نتیجه می‌رسیم که مراد از اهل کتاب پیروان ادیان الهی می‌باشند، که پیامبران آنان دارای کتاب بوده، و از سوی پروردگار متعال برای هدایت بشر به آنها وحی شده باشد. قرآن کریم در ده ها آیه و در سوره های مختلف از آنان یاد نموده است، با الفاظ متعدد در لفظ کتاب با یکدیگر مشترک هستند، بدین ترتیب که قرآن گاهی از آنها با اصطلاح مشهور «اهل کتاب» و گاهی با «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ». «دربریخی جا «أوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ».^۶ یاد می‌کند، دانشمندان اسلامی با استناد به آیات و روایات، عنوان اهل کتاب را در مرتبه اول شامل:

^۴ آل عمران/۱۱۴، ۱۱۳.

^۵ خرّمشاهی، بهاء الدین، قرآن پژوهی، مرکز فرهنگی مشرق، تهران، سال ۱۳۷۲. ص ۵۴۵

^۶ بقره / ۱۲۱.

^۷ بقره / ۱۰۱.

یهودیان، نصرانیان (مسیحیان) و صابئین نموده و سپس پیروان بعضی از مذاهب مانند مجوس (زرتشتیان) را نیز به عنوان اهل کتاب اضافه نموده است.

۱. یهودیان: پیروان حضرت موسی را تشکیل می‌دهند. و دارای کتاب آسمانی به نام تورات و یا عهد عتیق می‌باشند، قرآن کریم در آیات متعددی از موسی و کتاب ایشان و یهودیان سخن به میان آورده است. قرآن ضمن ستایش از کوشش های حضرت موسی برای هدایت پیروانش او را فرستاده خدا و پیامبر اولوالعزم خوانده است. اما آن گونه که از آیات برمی‌آید تورات بعد ها توسط یهودیان مورد دستبرد و تحریف قرار گرفته است از این جهت آنچه که امروز به نام تورات در دسترس می‌باشد تنها جزئی از تورات واقعی است. آن قسمت آیات تورات که با امیال یهودیان سازگار نداشته (مانند بشارت ظهور پیامبر اسلام) حذف و تحریف گردیده است قرآن کریم بیشتر از پیروان حضرت موسی را به عنوان «بنی اسرائیل» و گاهی نیز به عنوان «قُلُوبًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنَّ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ»^۸ یاد می‌کند، قرآن کریم ضمن نکوهش از یهودیان آنها را بخاطر نافرمانیها وعده عذاب دنیا و آخرت داده است.^۹

۲. نصاری: پیروان حضرت عیسی را تشکیل می‌هند، و دارای کتاب آسمانی به نام انجیل یا عهد جدید می‌باشند، مسیحیت در واقع امتداد و دنباله‌ای از آیین یهود می‌باشد. قرآن کریم در آیات متعددی از حضرت مسیح و مادر او حضرت مریم به نیکی یاد می‌کند.

۳. صابئی: یکی از مذاهبی که قرآن از پیروان آن به عنوان اهل کتاب یاد می‌کند صابئی می‌باشند، و دارای کتابی است که یحیی بن زکریا این کتاب را به روایت پیامبران پیشین، آدم، نوح، و شیث است که دو هزار سال قبل مدون شده است. قرآن کریم در آیه ۶۲ بقره از صابئین یاد نموده و آنها را به همراه یهود و نصاری مشمول خطاب به اهل کتاب نموده است «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^{۱۰} و همین مضمون در سوره‌های مائده و حج آمده است.

۴. مجوس (زرتشتیان) کسانی هستند که قرآن کریم نام آنها را در ردیف یهود و نصاری و صابئه قرار داده و از این جهت می‌توان آنها را مشمول عنوان اهل کتاب نموده و در ضمن در مورد اعتقادات آنها به توحید و کتاب آسمانی آنان شک و تردید های وجود دارد، و قرآن هم نامی از

^۸ جمعه/۶.

^۹ احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، دایرة المعارف تشیع، بنیاد فرهنگی شط، ج ۲، ۱۳۷۲، ج ۲ ص ۶۱۶ و ۶۱۷، واژه اهل

کتاب

^{۱۰} بقره/۱۷-۶۹.

کتاب آنها آن طوری که از کتاب های یهودی و نصاری اسم می برد نیاورده است اما امروز فقها به استناد آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ»^{۱۱} و روایات رسیده از ائمه اطهار با مجوس معامله اهل کتاب نموده و احکام اهل کتاب را بر آنان جاری می نماید.^{۱۲}

حال که اهل کتاب مشخص شده باید بررسی شود که آیا آیات (۱۱۳-۱۱۴) هود، دلالت بر رسمیت شناختن اهل کتاب در زمان حاضر می نماید یا خیر؟

با توجه به نکات و تفسیر ذیل ضعف استناد کسانی که اهل کتاب را در عصر حاضر برحق می داند روشن می شود.

۲. شأن نزول

نقل می کنند هنگامی که عبدالله بن سلام، که از دانشمندان یهود بود با جمع دیگری از آنها اسلام آوردند یهود مخصوصا بزرگان آنها از این حادثه بسیار ناراحت شدند، علمای یهود آنها را آدم های بد و اشرار خواند، که نیاکان خود را رها کرده به دین اسلام گرویدند، آیه فوق نازل شد از عبدالله بن سلام و همرا هانش دفاع نموده است.

خداوند در این آیات همه اهل کتاب را یکسان ندانسته و برای برخی از آنها اوصافی را بیان نموده است. البته تعبیر اهل کتاب علاوه بر عبدالله بن سلام، چهل تن از مسیحیان نجران و ۳۲ تن از مردم مسیحی حبشه را که تا آن روز، اسلام را پذیرفته بود نیز شامل می شود، تعبیر اهل کتاب که تعبیر وسیعی است، نیز گواه بر این مطلب است.^{۱۳} بنا بر این قرآن کریم کسانی را تمجید می کند که دین اسلام را اختیار نموده اند.

۳. همه اهل کتاب مثل هم نیستند

کلمه «سواء» مصدری است که معنای وصف از آن اراده شده، و می فرماید، اهل کتاب همه شان مثل هم نیستند و در وصف و حکم باهم مساوی نمی باشند، چون بعضی از آنها امتی هستند قائم به عبادت و آیات خدا را می خوانند، و دارای اوصافی که در آیه ذکر شده می باشند.^{۱۴} و مراد از «أُمَّةٌ قَائِمَةٌ» دسته ای از کسانی هستند که عادلند بر اطاعت و امر خدا ثابتند.

ممکن است گمان شود ستایشی که در این آیه از برخی اهل کتاب شده، به معنای رسمیت شناختن آنان در کنار اسلام است، ولی این گمانی باطلی است از این جهت که معنای آیه از دو

^{۱۱} حج / ۱۷.

^{۱۲} احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، دایرة المعارف تشیع، ج ۲ ص ۶۱۷، واژه اهل کتاب

^{۱۳} ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتاب اسلامیه، تهران، ج ۳، سال ۱۳۸۲. ص ۵۵

^{۱۴} طبایبی، محمد حسین، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، وابسته به جامع مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳، ۱۳۷۹. ص ۵۹۶

احتمال بیرون نیست.

احتمال اول: این آیه به اهل کتابی که در زمان پیامبر اسلام، در پذیرش دین اسلام سرباز زدند نظر ندارد، بلکه براین اصل کلی نظر دارد که در میان اهل کتاب، (چه در گذشته و چه در زمان حال) انسانهای خوب و بد وجود دارند، این گونه هم نیست که همه یهودیان یا مسیحیان انسانهای دور از خدا باشند. لذا نباید تمام اهل کتاب را در همه زمانها محکوم نمود، بلکه گروهی از آنها اهل عبادت و تلاوت آیات هستند.

احتمال دوم ممکن است آیه در باره کسانی باشند که هنوز دعوت اسلام به آنها نرسیده است، اگر دین اسلام به آنها برسد و حجت برایش تمام شود، نیکان اهل کتاب بدون تردید اسلام را خواهد پذیرفت، لذا در وصف گروهی از نصارا چنین آمده است:

«وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ»^{۱۵} و هر زمان آیاتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشمهای آنها را می بینی که (از شوقاشک می ریزد). این گروه کسانی اند که قبل از اتمام حجت، عبادت و نیایش می کند، «أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَّبِعُونَ آيَاتِ اللَّهِ» آن هنگام که با قرآن آشنا شوند، «تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ» از این رو کسانی از اهل کتاب پس از اتمام حجت بر دین خود باقی باشند، هر گز مورد ستایش قرآن کریم قرار نخواهد گرفت.^{۱۶} پس از این آیه بر می آید که اگر دین حق به آنها برسد در دین خود باقی نخواهد ماند بلکه دین اسلام را خواهند پذیرفت، از تعریف و تمجید اهل کتاب حقانیت فعلی استفاده نمی شود.

۲. استناد به آیه ۱۹۹ آل عمران

« وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ »^{۱۷} و از اهل کتاب، کسانی هستند که به خدا و آنچه بر شما نازل شده و آنچه به خودشان نازل گردیده ایمان دارند، در برابر (فرمان) خدا خاضع اند؛ و آیات خدا را به بهای ناچیز نمی فروشند. پاداش آنها، نزد پروردگار شان است. برای روشن شدن معنا و مفهوم این آیه مبارکه نکاتی چندی باید مورد توجه قرار گیرد.

الف. شأن نزول

این آیه طبق نظر بسیاری از مفسران درباره مؤمنان اهل کتاب است آنهایی که دست از تعصب

^{۱۵}. مائده/۸۳.

^{۱۶}. مصباح یزدی، محمد تقی، راه و راهنماشناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱۳۸۴، پنجم، ج (۴،۵) ص ۵۴،۵۵

^{۱۷}. آل عمران/۱۹۹.

ناروا برداشتند، و به جمع مسلمانان پیوستند، که تعداد قابل توجه یهودیان و مسیحیان را در می‌گیرد. ولی به عقیده تعدادی از مفسران، آیه در مورد نجاشی زمام دار رعیت پرور حبشه نازل شده، اگر چه مفهوم آن یک مفهوم گسترده است. در سال نهم هجری در ماه رجب نجاشی وفات یافت و خبر رحلت او با الهام الهی در همان روز به رسول گرامی اسلام رسید، که پیامبر با یارانش فرمود که یکی از برادران شما در خارج از سرزمین حجاز از دنیا رفته است، پیامبر به اتفاق مسلمانان به قبرستان بقیع آمد و بر نجاشی نماز گذارد. عده‌ای اعتراض کردند که پیامبر (ص) بر مرد کافری که او را ندیده نماز می‌خواند، و حال آنکه آیین او را نپذیرفته است، آیه فوق نازل شد و پاسخ آنها رداد. از این روایت برمی‌آید که نجاشی اسلام را کاملاً پذیرفته بوده اگر چه به آن تظاهر نمی‌کرد.^{۱۸}

ب. مؤمنان اهل کتاب گرویدگان به اسلام

قرآن کریم بسیاری از اهل کتاب را به خاطر کتمان آیات خداوند طغیانگر و سرکش می‌داند، که در آیات سابق به آن اشاره شده است، اما در این آیه سخن از اقلیتی به میان می‌آورد که دعوت پیامبر (ص) را اجابت کردند، و برای آنها پنج صفت ممتاز بیان می‌کند.

«يُؤْمِنُ بِاللَّهِ» آنها کسانی هستند که از جان و دل به خدا ایمان آوردند.

«وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ» آنها به قرآن و آنچه بر شما مسلمانان نازل شده است ایمان می‌آورند.

«وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ» ایمان آنها به پیامبر اسلام، در حقیقت از ایمان واقعی به کتاب آسمان خود شان و بشارتی که در آن آمده است سر چشمه می‌گیرد. بنابراین آنها به آنچه به خود شان نازل شده ایمان دارند.

«خَاشِعِينَ» آنها در برابر فرمان خدا تسلیم و خاضعند.

«لَا يَسْتَرْوْنَ بآيَاتِ اللَّهِ تَمَنَّا قَلِيلًا» آنها هرگز آیات الهی را به بهای نا چیز نمی‌فروشند.^{۱۹}

علامه طباطبای می‌فرماید: مراد این آیه این است که بعضی از اهل کتاب در حسن ثواب با مؤمنین (مسلمانان) شریک هستند. سعادت اخروی دایر مدار ایمان به خدا و رسولان اوست، اگر اهل کتاب هم ایمان بیاورند جزء مؤمنین (مسلمانان) می‌شوند و با آنان یکسانند. در این آیه خداوند متعال آن صفت نکوهیده و سرزنش شده را که در آیات قبل اهل کتاب را به خاطر آن ملامت و مذمت می‌کرد (صفت تفرقه بین رسولان خدا) از دسته اقلیت که ایمان آوردند و دین اسلام را پذیرفته نفی

^{۱۸}. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۳۰

^{۱۹}. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۳۲

کرده است.^{۲۰} از این رو اقلیت از اهل کتاب است که دعوت اسلام را اجابت کرده اند، و صفات که آیه برشمرده، صفات کسانی از اهل کتاب هستند که به دین اسلام پیوسته اند.

شهید مطهری در باره مومنان اهل کتاب می گوید:

شما اگر به همین مسیحیت تحریف شده نگاه کنید و بروید در دهات و شهرها، آیا هر کشیشی را که می بیند آدم فاسد و کثیفی است؟ والله میان همین ها، صدی هفتاد و هشتاد شان مردمی هستند با یک احساس ایمان و تقوا و خلوص که به نام مسیح و مریم چقدر راستی و تقوا و پاکی به مردم داده اند؛ تقصیر هم ندارند. آنها به بهشت می روند کشیش آن ها هم به بهشت میرود.^{۲۱}

ایشان در کتاب عدل الهی پس از بحث در باره ایمان و کفر، اهل کتاب مومن و خالص را در صورت جهل قصوری به حقانیت اسلام همانند مسلمانان، اهل بهشت می داند.^{۲۲}

۳. استناد به آیه ۶۶ سوره مائده

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ».^{۲۳} «و اگر آنان تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگار شان بر آنها نازل شده (= قرآن) برپا دارند، از آسمان و زمین روزی خواهند خورد، جمعی از آنها معتدل و میانه رو هستند، ولی بیشتری شان اعمال بدی انجام می دهند».

قرآن آشکارا بعضی از آنان (اهل کتاب) را امت مقتصده (امت میانه و درست کار) و امه قایمه (امت درست کار) خوانده است.^{۲۴}

تحلیل و بررسی

از برخی تفاسیر چنین برمی آید که مراد از «وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ» قرآن کریم است اهل کتاب مکلف بودند که به تمام آنها (تورات، انجیل و قرآن) ایمان می آوردند، تا اینکه برکات آسمانی و زمین بر آنها بخشیده می شد و مراد از «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ» طایفه از اهل کتاب است که به پیامبر اسلام ایمان آوردند و مسلمان شدند، ولی بسیاری از آنها به پیامبر کفر ورزیدند و او را انکار نمودند.^{۲۵}

اما علامه طباطبای در تفسیر گران سنگ خود می نویسد: مقصود از تورات و انجیل این کتاب های که فعلاً در دسترس است نیست، چون این ها تورات و انجیل حقیقی و آسمانی نیستند، بلکه

^{۲۰} طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۴، ص ۱۳۹

^{۲۱} مرتضی، مطهری، مجموعه آثار ج ۳، ص ۴۲۷، ۴۳۹

^{۲۲} مطهری، مرتضی، عدل الهی، ص ۳۴۶.

^{۲۳} مائده (۵): ۶۶

^{۲۴} بهاء الدین خرمشاهی، قرآن پژوهی، ۵۴۵

^{۲۵} طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه اکبرغفوری و دیگران، ج ۲، ص ۹۹

مجموعه ای تحریف شده هستند.

و مراد از «وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ» سایر کتب انبیا گذشته است مانند، زبور داود و احتمال اینکه قرآن باشد بعید است چون قرآن ناسخ آن دو است چگونه عطف بر آنها می شود که چنین و چنان می شد؟ «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» امتی مقتصده امتی است که در امر دین تسلیم است و به دستورات خداوند کریم معتدل و میانه رو باشد، در این آیه بیانی دارد که آنچه تاکنون از معایب اهل کتاب در آیات قبل برشمرده شده مربوط به فرد فرد آنها نیست، زیرا در بین اهل کتاب هم مردم معتدل وجود داشته است که هیچ یک از این کجروی ها را نداشته اند. هرچند اکثریت اهل کتاب همان آلوده گان بودند ولی مردان پاک اندک و انگشت شمار هم وجود داشتند.^{۲۶} علاوه بر این آیات قبل می فرماید اهل کتاب از طغیان و سرکشی دست بردارد، زیرا بخشش گناهان آنها و ورود شان به بهشت تنها از راه گرویدن به اسلام مسیر خواهد بود.

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ».^{۲۷}

و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آنها را می بخشیم؛ و آنها را در باغهای پر نعمت بهشت، وارد می سازیم.

۴. استناد به آیات ۸۲ الی ۸۴ سوره مائده

«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بَأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ، وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْ الرُّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ».^{۲۸} به طور مسلم، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیک ترین دوستان به مؤمنان را کسانی می یابی که می گوید «مانصاری هستیم» این به خاطر آن است که در میان آنها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند؛ و آنها (در برابر حق) تکبر نمی ورزند، و هر زمان آیتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشم های آنها را می بینی که (از شوق) اشک می ریزد، به خاطر حقیقتی که دریافته اند. آنها می گویند: پرورد گارا! ایمان آوردیم، پس ما را با گواهان (و شاهدان حق در زمره یاران محمد (ص))، بنویس.

^{۲۶}. طباطبای، محمد حسین، المیزان، ج ۶، ص ۵۲ الی ۵۴

^{۲۷}. مائده / ۶۵.

^{۲۸}. مائده (/ ۸۲-۸۴).

برخی از کسانی که معتقد به کثرت گرای دینی هست با توجه به آیات فوق نسخ را منتفی می‌داند و می‌نویسد اگر مسیحیت از نظر قرآن کریم منسوخ و منتفی بود و طومار هستی اش برچیده شده بود آیا ممکن بود در قرآن چنین آیات بیاید؟^{۲۹} وعده‌ای دیگر هم می‌گوید: به یاد خدا بودن، یعنی از طرف خدا پذیرفتن کافی است، چه قرآن باشد و چه به‌گودگیتا، و مسلمان بودن مطرح نیست.^{۳۰}

تحلیل و بررسی

آیت الله مکارم شیرازی در ذیل تفسیر آیات فوق می‌فرماید: طبق گفتار مفسران این آیات درباره نجاشی زمام دار حبشه در زمان پیامبر و یارانش نازل شده، درباره جریان قرائت قرآن جعفر بن ابیطالب و اشک شوق نجاشی است، که به طوری مشروح در تفسیر نمونه بیان شده است.^{۳۱}

الف. کینه توزی یهود و نرمش نصارا

این آیات در صدد مقایسه یهود و مسیحیت با اسلام است که تا حقانیت و معارف اسلامی را به خوبی درک کنند و نیز معلوم شود که یهودی و نصاری از لحاظ دوری و نزدیکی به اسلام مساوی نیستند، نصاری نزدیکتر است، دلیلش هم این است که عده‌ای بیشتری از این ملت به اسلام گرویده و به رسول خدا ایمان آورده‌اند، همانطوری که آیه بعدی می‌فرماید «وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ الرَّسُولِ» دلالت بر این مدعا دارد. وقتی اصحاب رسول خدا مطالبی از قرآن برای نجاشی خواند خصوصاً درباره حضرت مریم، ابن عباس می‌گوید هرچند که از آیه خوانده می‌شد حقیقتی تازه برای نجاشی و بزرگان نصاری کشف می‌شد و اشکهایشان جاری می‌شد، «ذَلِكَ بَأَنَّهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهَبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»، «وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ» آیه شریفه آن روز گار کشیشان را حکایت می‌کند.^{۳۲}

بنابراین از آیه مبارکه برمی‌آید که مطلق اهل کتاب تعریف و تمجید نشده است بلکه کسانی از اهل کتاب توصیف شده‌اند که به پیامبر اسلام ایمان آورده‌اند و دین اسلام را قبول نموده‌اند.

ب: اهل کتاب صالح و غیرمعاند

عده‌ای از اهل کتاب که قبل از ظهور اسلام از شریعتی تبعیت می‌کردند و به آن ایمان داشتند، به

^{۲۹}. خرمنشاهی، بهاء الدین، قرآن و الهیات جهانی، مجله بینات، شماره ۱۷، صص ۱۷۵، ۱۷۴

^{۳۰}. بینا، محمود، گفت و گو، مجله هفت آسمان، شماره ۱، صص ۲۷، ۲۶

^{۳۱}. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۵۰

^{۳۲}. طباطبای، محمد حسین، المیزان، ج ۶، ص ۱۱۴ الی ۱۲۵

دلیل نرسیدن پیام اسلام و نشناختن حقانیت آن بعد از ظهور اسلام هم در همان شریعت باقی مانده اند، گرفتار عناد و استکبار نشده‌اند، به نظر می‌رسد قرآن کریم آنان را صالح می‌داند و در آخرت از پاداش الهی برخوردار خواهند بود.

در روایات هم بر اشخاص اهل کتاب که معاند نبوده اشاره شده است. امام باقر (ع) می‌فرماید: گروهی از یهود که در شماره معاندان نبودند، علائم و صفات کلی پیامبر موعود را به مسلمانان می‌گفتند که آنان از طرف بزرگان شان منع می‌شدند.^{۳۳}

با توجه به آیات می‌توان چنین استفاده کرد که مسأله خلوص شخصی اهل کتاب با مسأله حقانیت شریعت شان متفاوت است، با توجه به اینکه شریعت های گذشته منسوخ شده است، و پیروان آنها باید به اسلام رو آورند، اما در صورت جهل به حقانیت اسلام در عصر حاضر اعمال صالح آنان فانی نخواهد شد بلکه نجات بخش خواهند بود.

نتیجه‌گیری

برخی‌ها با استناد به اطلاقات آیات ۶۲ بقره و ۶۹ مائده، معیار رستگاری را، ایمان به خدا، معاد و عمل شایسته دانسته و تدبیر به دین خاص را مورد توجه قرار نداده است.

در بررسی آیات فوق به این نتیجه رسیدیم که این آیات در صدد به رسمیت شناختن آیین‌ها نیست بلکه انتساب به عناوین را رد می‌کند، زیرا یهودیت و نصرانیت نجات را در این دو آیین می‌دانست آیات یاد شده انتساب را رد می‌کند و معیار رستگاری را در گرو ایمان به خدا و عمل نیک می‌داند. با توجه به آیات قرآن کریم ایمان داشتن یهودیان و نصرانیان زیر سؤال می‌رود، چون آنها به مطلق رسولان خدا ایمان ندارد، در صورتی که از آیات قرآن به دست می‌آید که به مطلق پیامبران ایمان داشته باشید بدون اینکه تفکیک و تبعیض قایل شوید.

خداوند با بیان عمل صالح دو نکته را بیان می‌کند یکی اعتقاد به وحی و نبوت و دیگر عمل به آنچه که پیامبران هر عصر آورده است.

از شأن نزول آیه ۶۴ آل عمران استفاده می‌شود که هیئت بلند پایه مسیحیان در جریان مباحله به حقانیت اسلام پی‌برد و از مباحله منصرف شدند. در عین حال آیه مبارکه دنبال دعوت به مشترکات و رسیدن به تفاهم است.

اما آیه مبارکه ۱۳ سوره حجرات در صدد بیان مسایلی اخلاقی است و ملاک برتری انسان را به تقوی می‌داند نه در رنگ و نژاد بنابراین، این آیات هیچ‌ار تباطی با رسمیت شناختن و پاداش اهل

کتاب ندارد.

به زعم برخی که دسته‌ای از آیات به تعریف و تمجید اهل کتاب پرداخته و معتقدند اگر پیروان ادیان اهل نجات نیستند چگونه آیات (آل عمران، ۱۱۳ و ۱۱۴) قرآن کریم به وصف آنها پرداخته است؟

با بررسی که از این دسته از آیات انجام شد، به این نتیجه رسیدیم که تعریف و تمجید از اهل کتابی شده که شریعت اسلام را قبول نموده و به مسلمانان پیوسته اند.

از آیه ۱۹۹ آل عمران هم استفاده می‌شود که درباره نجاشی زمام دار حبشه است که به دین اسلام پیوسته بود و صفاتی چون ایمان به خدا، ایمان به آنچه که از جانب خدا نازل شده، و سفارش به خشوع و تسلیم صفات کسانی از اهل کتاب هستند که به دین اسلام پیوسته اند.

از آیه ۶۶، ۸۲ الی ۸۴ مانده استفاده می‌شود هرچند اکثریت اهل کتاب کجرویها و عناد داشته ولی مردان پاک هم در بین آنها وجود دارد.

بنابراین از آیات مذکور به دست می‌آید که مطلق اهل کتاب تعریف و تمجید نشده بلکه مراد کسانی از اهل کتاب هستند که به پیامبر اسلام (ص) ایمان آوردند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، دایرة المعارف تشیع، بنیاد فرهنگی شط، ج ۲، ۱۳۷۲، ج ۲، واژه اهل کتاب

۲. بینا، محمود، گفت و گو، مجله هفت آسمان، شماره ۱، ۱۳۷۸

۳. خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن پژوهی، مرکز فرهنگی مشرق، تهران، ۱۳۷۲.

۴. خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن و الهیات جهانی، مجله بینات، شماره ۱۷، قم، ۱۳۷۷

۵. زمانی، محمد حسن، طهارت اهل کتاب و مشرکان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۷۸
۶. طبرسی، ابوالفضل بن الحسن، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه اکبر غفوری و دیگران، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷ ج ۲.
۷. طباطبای، محمد حسین، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.
۸. علی رامین، کامرانی فانی و دیگران، دانشنامه دانش کستر، ناشر، تهران، موسس دانشگاه ستر روز، سال ۱۳۸۹.
۹. مصباح یزدی، محمد تقی، راه و راهنماشناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴، پنجم، ج (۴،۵)
۱۰. مطهری، مرتضی، تهران، صدرا، مجموعه آثار ج ۳، چ اول، ۱۳۷۰.
۱۱. مطهری، مرتضی، عدل الهی، صدرا، چ بیست و پنجم، تهران، ۱۳۸۵.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، دارالکتاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.

